ج) بی‌شمار شدن افراد شهر مبارک در فرض مبنای نوعیت

(42:34)

سوم؛ شما می‌گویید: نوعیت هست؛ [آیا] نوع بدون فرد فایده‌ای دارد؟! اگر شما می‌گویید دو ماه مبارک داریم، خالصه دو فرد می‌شود. یک فرد ماه مبارک برای افق قم می‌شود و یک فردش هم برای کابل می‌شود که ندیده بودند و فردا شب را اول ماه گرفته بودند. دو تا فرد می‌شود. چرا می‌گویید این نوعیت ماه مبارک در سال برای کابل و قم، دو فرد است و مشکلی ندارد؟! چون دو طلوع دارند و دو غروب دارند. در غروب آن‌ها هلال، هلال نشده بود. برای قم هلال شده بود. خب اگر این جور است، پس خط غروب که لحظه به لحظه دارد روی زمین می‌گردد، هر لحظه‌ای که خط غروب می‌رود شأنیتِ این را دارد که یک فردی از شهر مبارک باشد. یعنی پس دیگر نگویید در یک سال دو فرد از ماه مبارک هست. وقتی نوعی شد، بگویید میلیون‌ها شهر مبارک داریم. چون هر لحظه‌ای برای خودش یک افقی تشکیل می‌دهد و برای خودش طلوع و غروبی دارد؛ اگر ملائکه هم از آن نازل می‌شوند، شهری جدا است. به این نکته دقت کنید که «کل افق فردٌ من النوع». شما در این مبنا به نوعیت قائل شدید، وقتی می‌خواهید فرد نوع را ارائه بدهید، ضابطه بدهید. می‌گویید این‌جا دو فرد شد، خب چرا دو تا؟! کما این‌که دیدید گفته بودند: سه تا می شود! فرموده بودند: ثم اذا؟! بشود سه تا.

عرض من این است که وقتی سه تا می‌شود، حالا دقیق‌تر بشویم. ثبوت مطلب این است که ماه در سال نوعی است. حالا که نوعی است، فرد می‌خواهد. در کره‌ای که دارد لحظه به لحظه طلوع و غروبش لغزنده جلو می‌رود، چند فرد از این نوع داریم؟! به تعداد طلوع و غروب. عرف که نمی‌توانند بگویند شهر ما بزرگ است، حالا عرف این‌ها را یکی حساب می‌کنیم. ثبوت را که نمی‌توانند به هم بزنند.

چند تا شد؟ اوّلی برای نماز مغرب بود. دوّمی برای این بود که یک ماه در سال هم تام باشد و هم ناقص. سوّمی این‌که نوعیت مستلزم این است که به تعداد هر لحظه‌ای نوع ماه مبارک فرد داشته باشد. در ذهن من خیلی بیشتر از این‌ها است.

بازبینی #2
ایجاد شده 18 ژانویه 2026 15:32:11 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 ژانویه 2026 13:30:04 توسط ... .